

## چگونه لندن علیه اسرائیل می‌جنگد



**شرکت‌های فراملی و معاملات تریلیون دلاری پشت این تحریکات و مرگ انسان‌ها قرار دارند**

**والری ایلین (VALERY ILYIN)  
ا. م. شیر**

چند ساعت پس از حرکت ناوهای نیروی دریایی انگلیس به بهانه حمایت از اسرائیل به سمت شرق مدیترانه، جرقه شدیدی بین لندن خط ارتباطی واشینگتن - تل آویو روی داد. مسئله از آنجا شروع شد که رسانه‌های جمعی انگلیس اسرائیل را به تخریب بیمارستان الاهلی در نوار غزه متهم کردند.

این انگلیسی‌ها بودند که با صدای بلندتر و زودتر از دیگران به تبلیغ این موضوع شروع کردند. گاردین حتی نوشت که اسرائیل دومین حمله هوایی را به امدادگران در حال جستجوی زنان و کودکان گرفتار در زیر آوار بیمارستان انجام داد. تایمز در صفحه اول خود «نوزادان مثله شده» از فلسطین را منتشر کرد که سعی می‌شد آن‌ها را به عنوان اسرائیلی جا بزنند.





تیتز روزنامه تایمز انگلیس چنین است: «اسرائیل نوزادان مثله شده را نشان می‌دهد». این در واقع، عکس کودکان فلسطینی است که در نتیجه حملات هوایی اسرائیل در نوار غزه زخمی شده‌اند.

اسرائیل به واشنگتن فشار آورد. در نتیجه، گفتگوی تلفنی رئیس ستاد مشترک پنتاگون و وزیر دفاع انگلیس لغو شد. تماس لندن با دفتر رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا به ابتکار طرف انگلیسی برای ساعت ۱:۰۰ برنامه‌ریزی شده بود. اما، در ساعت ۰۰:۴۰ آمریکایی‌ها بدون هیچ توضیحی تماس را لغو کردند. وزیر دفاع انگلیس در مورد وضعیت غزه و حمله به بیمارستان اظهار نظر کرد.



«اسرائیل در حال احتضار»: قبلاً چنین مسائلی در مطبوعات انگلیس غیرقابل تصور بود

تحلیلگران به شباهت‌هایی بین آنچه روی داد و آنچه انگلیس در سازماندهی در بوچا (اوکراین) کمک کرد، اشاره می‌کنند. در هر دو مورد، انفجار و اجساد بطور کامل طبیعی بودند. اما، زمان‌بندی و مقیاس کاملاً منطبق نشان می‌دهد که فردی با اختیارات و توانایی‌های مناسب فعالانه در حوادث خاورمیانه همچون یک سال پیش در اوکراین مداخله کرده است.

مانند اوکراین، اتفاقی رخ داد که همه چیز را زیر و رو کرد. انگلیسی‌ها مشغول ترویج تحریکات در بوچای اوکراینی بودند که با توافقات استانبول شکست خورد. اکنون توافقات عمان در باره غزه بر اساس همین طرح لغو شده است.

درک اینکه لندن چرا به یک بوچای خاورمیانه‌ای جدید نیاز دارد، دشوار نیست. حامیان برگزیت و [گلوبال بریتانیا](#) به اتحادیه اروپا به طور کلی و به دموکرات‌های بایدن در آمریکا به ویژه ضربه زدند. در مورد خود اسرائیل، برنامه‌ریزان حداقل به بازگشت به وضعیت موجود نیاز داشتند.

در رسانه‌ها گزارش مبنی بر این منتشر شده که بیمارستان الاهلی با بمب هوایی **ام‌کا ۸۴ آمریکا** با قابلیت نفوذ ۳۸ سانتی‌متر فلز و ۳.۳ متر بتون مورد اصابت قرار گرفته است. ضربه یک محصول مجتمع نظامی-صنعتی آمریکا به بیمارستان فلسطینی که به کشته شدن بیش از ۷۰۰ نفر منجر شد، کل استراتژی دموکرات‌های کاخ سفید را کاملاً در هم می‌شکند. در بحبوحه خشم عظیم جهان اسلام، تیم بایدن با عجله جلسات خود را با پادشاه اردن و رؤسای جمهور مصر و تشکیلات خودگردان فلسطین لغو کرد.

فشار درون حزب بر خود بایدن به شدت افزایش یافته است. جناح چپ «دموکرات‌ها» شخص او را به شکست در توقف جنگ متهم کرد. برنی سندرز حمله به بیمارستان را «[جنایتی غیرقابل تصور](#)» خواند. در متن اختلال عملکرد کنگره و ضربه به بیمارستان، شکاف در واشنگتن حتی تقویت شد.

ضمن این، در سراسر خاورمیانه، معترضان به سفارتخانه‌های آمریکا و اسرائیل [یورش می‌برند](#) و در خود آمریکا نیز معترضان ساختمان کنگره را اشغال می‌کنند. تظاهرکنندگان حامی فلسطین پرچم‌های اسرائیل را به طور دسته جمعی در اطراف کاخ سفید در واشینگتن و در میدان تایمز نیویورک به آتش می‌کشند. وزارت امور خارجه به تخلیه سفارت آمریکا در لبنان، یکی از بزرگترین سفارت‌های جهان مجبور می‌شود. [مصر وعده داده است](#) که قیمت ترانزیت نفت و گاز از طریق کانال سوئز را از ژانویه ۱۵ درصد افزایش دهد، که می‌تواند به افزایش تورم در اروپا و کل غرب - در بحبوحه زمستان - منجر شود.

مقامات دولت بایدن مجبور شدند [قول بدهند](#) که سؤالات سختی از نتانیاهو خواهند پرسید. انجام گفتگو با جهان عرب در شرایط کنونی برای ایالات متحده بسیار دشوار شده است. در خاورمیانه، ضعف واشینگتن را احساس می‌کند و فایده چندانی در رسیدن به توافق جدی نمی‌بینند.

خود آمریکا در حرف به پیروزی اسرائیل اعتقاد دارد، اما در ۱۳ اکتبر (که توسط حماس به عنوان «روز جهانی جهاد» علیه یهودیان و اسرائیلی‌ها در سراسر جهان اعلام شد)، به تخلیه همه شهروندان خود از اسرائیل شروع کرد. وزارت امور خارجه به کارمندان دولت آمریکا و خانواده‌هایشان اجازه داده است که اسرائیل را در میان یک «وضعیت امنیتی بی‌سابقه» ترک کنند.

ضربه ای که به اتحادیه اروپا وارد شد، اگر چه به اندازه آمریکا آشکار نیست، اما تاثیر آن بیشتر است.

به دلیل حملات حماس به حیفا، بزرگترین بندر اسرائیل، این مرکز حمل و نقل حداقل تا زمانی که موضوع رفع تهدیدات نظامی بنادر حل نشود، اصولاً نمی‌تواند در هیچ پروژه حمل و نقل جهانی مشارکت کند. بدون حل این موضوع، اجرای پروژه بزرگ گذرگاه حمل و نقل هند-خاورمیانه- اتحادیه اروپا که توسط بایدن در اجلاس اخیر گروه ۲۰ اعلام شد، ممکن نیست.



و همچنین، پروژه دیگر مرتبط با اسرائیل و با مشارکت کلیدی سعودی‌ها- ولیعهد محمد بن سلمان- «چشم‌انداز ۲۰۳۰» قابل اجرا نیست و بدون اسرائیل قابل دوام نیست. زیرا، عنصر کلیدی آن پروژه **نئوم است**، که در میان کل پروژه‌های سعودی جذاب‌ترین برای سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید، بخش مهمی از فن‌آوری پیشرفته است که بیشتر فن‌آوری آن توسط اسرائیل ارائه می‌شود. هر قدر علاقه‌مندی برخی از شیوخ عربستان سعودی، نخبگان اسرائیلی و قاره اروپا به این پروژه‌ها بسیار زیاد است، قطر و انگلیس برعکس، به خنثی کردن این پروژه‌ها علاقه‌مند خیلی هستند.

قطر و لندن در خفا به سعودی‌ها ضربه می‌زنند، اسرائیلی‌ها، اتحادیه اروپا و پروژه‌هایی که آنها را بهم پیوند می‌دهد، به معنای واقعی کلمه در کنار همدیگر هستند. در همین حال، ضربه قدرتمند موازی دیگری از طریق دوحه به رقابای انگلیسی در کشورهای قاره اروپا وارد می‌شود. آنها به گاز قطر وابسته شده‌اند و قطر نیز تهدید کرده که اگر بمباران نوار غزه متوقف نشود، گاز اروپایی‌ها را قطع خواهد کرد.

دوحه تهدید کرد که در صورت حمله زمینی به نوار غزه، از بازار گاز اتحادیه اروپا خارج خواهد شد. تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر در نیمه اول اکتبر شخصاً [اعلام کرد](#): اگر بمباران غزه متوقف نشود، گاز جهان را قطع خواهیم کرد.

در ۲۰ اکتبر، یعنی تنها چند روز بعد، قطر بلافاصله دو قرارداد بزرگ برای عرضه گاز طبیعی مایع به کشورهای اتحادیه اروپا در ۲۷ سال آینده منعقد کرد! در عین حال، این به اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد تا حدود ۱۵ درصد از واردات گاز از روسیه را جایگزین کند. به بیان ساده، کشورهای اتحادیه اروپا دیگر قطر را به پیش‌فروش گاز برای مدت چند دهه آینده مجبور کرده‌اند!

در عین حال، بازار اروپا برای خود قطر بازار اصلی نیست. زیرا، عرضه اصلی آن به سمت آسیا می‌رود. بنابراین، قطری‌ها و انگلیسی‌ها که پشت سر آنها قرار دارند، می‌توانند

فشار زیادی بر آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها وارد کنند تا آنها مسئولیت هدایت اسرائیلی‌ها به مسیر درست را بر عهده بگیرند. ضمن این، حماس که بودجه آن تقریباً به طور کامل به سنگرهای دوحه وابسته است، از یک وضعیت به ظاهر ناامیدکننده خارج می‌شود. نگرانی قطری‌ها در مورد سرمایه‌گذاری هایشان کاملاً قابل درک است.

سعودی‌ها مذاکرات برای عادی روابط با اسرائیل را به حالت تعلیق درآورده‌اند، پروژه‌های آنها نیز تا روشن شدن امکان از میان برداشتن تهدید خارجی متوقف شده است.

نتیجه چیست؟ از یک سو، یک گروه تروریستی محلی، از سوی دیگر، پروژه‌های عظیم به ارزش معادل تریلیون‌ها دلار. آیا لازم است بگوئیم کسانی که می‌خواهند این پروژه‌ها را لغو کنند، از کدام منابع فکری تغذیه می‌کنند؟

تیم‌های بایدن، نتانیاهو، ماکرون و شولز به جای پاسخ کافی، فقط می‌توانند ضربه بزنند.

مکتبی که در سایه «گاز بوچا» حاصل شد، حالا به این واقعیت منجر شده است که عملیات اسرائیل علیه غزه هر چند نتایج سریع را نوید نمی‌داد، اکنون طولانی‌تر و خونین‌تر شدن را نوید می‌دهد.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

<https://eb1384.wordpress.com/2023/10/24/>

۲ آبان-عقرب ۱۴۰۲